

١٠٢١١٧



دانشگاه گیلان

دانشکده ادبیات
گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی

پایان نامه
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

عنوان:

بررسی بخش‌هایی از کتاب سوم دینکرد، به انضمام واژه‌نامه

استاد راهنما:

دکتر رحمان بختیاری

استاد مشاور:

دکتر تیمور قادری

پژوهشگر:

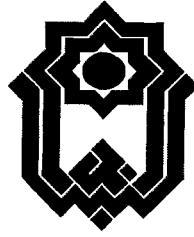
آزاده محبت‌خو

اردیبهشت ۸۶

۱۳۸۶ / ۱۲ / ۰۵

کتابخانه اساتید دانشکده ادبیات
گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی
گیلان

۱۵۴۱۱۶



دانشگاه بوعلی سینا

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

بایاری خداوند بزرگ ، جلسه ی دفاع از پایان نامه خانم **آزاده محبت خو** به شماره دانشجویی **۸۳۱۳۲۷۰۰۰۲** در رشته ی **فرهنگ و زبانهای باستانی** دوره ی کارشناسی ارشد تاریخ **۸۶/۲/۱۵** ساعت **۱۰** در سالن کنفرانس دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا همدان برگزار شد.

این پایان نامه با عنوان

بررسی بخش هایی از کتاب سوم دینکرد به انضمام واژه نامه

مورد تایید هیات داوران قرا رگرفت و با نمره ۴۰ و درجه ی **بسیار خوب** تصویب رسید

داوران :

استاد راهنما

استاد مشاور

استاد داور داخلی

استاد داور خارجی

مدیر تحصیلات تکمیلی دانشکده

دکتر رحمان بختیاری

دکتر تیمور قادری

دکتر بهزاد معینی سام

دکتر قهرمان شیری

دکتر زهرا افضلی

همه ی امتیازهای این پایان نامه به دانشگاه بو علی سینا تعلق دارد در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب پایان نامه در مجلات ، کنفرانس ها و یا سخنرانی ها ، باید نام دانشگاه بوعلی سینا (یا استاد یا اساتید راهنمای پایان نامه) و نام دانشجو با ذکر ماخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی خواهد گرفت .

تقدیر بہ ماوراء

اسطورہ عتقی کہ مجبوت و انبار رالاز او آموختن.

حمد و سپاس به نام آن کرامت بی انتها و عزت نفس بی منتها، که اندیشه رهسپردن در مسیر ارتقاء علم و ایمان و معرفت را به انسان ارزانی داشت و به لطف و بنده نوازی، خلق را از بادیه گمراهی به سر حد هدایت رسانید. اکنون که با استعانت از درگاه ایزد منان گامی دیگر از زندگیم را پشت سر نهادم با خضوع و فروتنی تمام بر خود واجب می دانم مراتب سپاس و قدردانی خود را تقدیم کسانی کنم که طی این مدت مرا یاری کردند.

بر خود واجب می دانم که از زحمات استاد راهنمای گرامیم جناب آقای دکتر رحمان بختیاری که با راهنمایی های ارزنده شان امکان فراهم کردن چنین مجموعه ای را میسر کردند تشکر و قدردانی کنم و هم چنین از جناب آقای دکتر تیمور قادری که مشاوره این پایان نامه را بر عهده داشتند سپاسگزارم. از جناب آقای دکتر قهرمان شیری استاد داور خارجی که زحمت مطالعه این پایان نامه را متحمل شدند تشکر می کنم. همچنین از استاد داور داخلی جناب آقای دکتر بهزاد معینی سام که توان علمی بالای خویش مرا از گنجینه علم خود بهره رساندند و باعث غنای هر چه بیشتر این پایان نامه گردیدند از صمیم قلب سپاسگزاری می کنم.

از مادر مهربان و پدر بزرگووارم که در پهنای مهر و محبت و حمایت های آنها راه زندگی برای من هموار و موفقیت ها دست یافتنی گشت بی نهایت سپاسگزارم. از پدر بزرگ و مادر بزرگ دوست داشتیم که با حضورشان موجب قوت قلب من شدند بسیار متشکرم. از خواهر نازنینم که همراه همیشگی لحظه های شادی و اندوه من بوده است سپاسگزارم.

زبان دوستی واژه نیست، معناست. قیمت لحظه ها را نمی توان سنجید در آن هنگام که دوستی شکل می گیرد. از دوستان عزیز خانم ها مهندس رفیعی، مصباح و آقای نقی زاده و سایر دوستانی که در پیمودن این راه از یاری و همراهی ایشان بهره مند بوده ام، صمیمانه قدردانی می کنم.

نام خانوادگی دانشجو : محبت‌خو نام : آزاده

عنوان پایان‌نامه : بررسی بخش‌هایی از کتاب سوم دینکرد به انضمام واژه‌نامه

استاد راهنما : دکتر رحمان بختیاری استاد مشاور : دکتر تیمور قادری

مقطع تحصیلی : کارشناسی ارشد رشته : فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه : بوعلی سینا

دانشکده : ادبیات و علوم انسانی تاریخ فارغ‌التحصیلی : ۱۳۸۶ تعداد صفحه : ۱۷۱

کلید واژه‌ها : دینکرد، پزشکی

چکیده

این پژوهش، بخش‌های زیر را در بر دارد:

۱. در بخش اول، ابتدا در مورد کلیات بحث می‌شود و سپس سبک و مفاد و خلاصه‌ای از فصل ۱۵۷ کتاب سوم و مؤلفان کتاب، مورد بحث بوده است، به دنبال آن، نسخه‌های موجود از دینکرد و ترجمه‌های موجود از آن، آمده است. در آخر این بخش نیز روش کار ذکر گردیده است.
۲. در بخش دوم، دو نسخه از متن فصل ۱۵۷ دینکرد به همراه حرف‌نویسی، آوانویسی، ترجمه و زیرنویس آمده است.
۳. در بخش سوم، یادداشت‌ها آورده شده است.
۴. در بخش چهارم، واژه‌نامه ارائه شده است.
۵. در بخش پایانی هم، کتابنامه فارسی و لاتین ذکر گردیده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	فصل اول: کلیات
۴	۱-۱- دینکرد
۱۱	۱-۲- کتاب سوم
۱۶	۱-۳- سبک دینکرد
۱۸	۱-۴- مفاد دینکرد
۲۱	۱-۵- مؤلفان دینکرد
۲۳	۱-۶- نسخه‌ها
۲۵	۱-۷- ترجمه‌ها و چاپ‌ها
۲۶	۱-۸- روش کار
۲۸	فصل دوم: متن، حرف نویسی، آوا نویسی و ترجمه
۱۲۰	فصل سوم: یادداشت‌ها
۱۳۴	فصل چهارم: واژه نامه
۱۶۵	کتابنامه
۱۷۱	چکیده انگلیسی

اختصارات

T66 نسخه عکسی چاپ شده در شیراز

DKM نسخه عکسی چاپ شده مدن

DKS نسخه ترجمه شده سنجانا

نشانه‌ها

[] آنچه از ترجمه درون آن آمده، به متن افزوده شده است.

[] آنچه از قرائت درون آن آمده، از متن حذف شده است.

() توضیحات بیشتر و معنی، درون آن آمده است.

* واژه بازسازی شده و مورد تردید است.

با توجه به اهمیتی که متون اجتماعی پهلوی از دیدگاه اساطیری، دینی، تاریخی، تاریخ ادیان، فرهنگ ایران باستان و شناخت ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی مردم ایران باستان دارند و تعاملی که بین ملت ایران و ملت‌های همجوار وجود داشته و بازتاب آنرا در متون به‌جا مانده از ایران باستان به‌خصوص در متون پهلوی می‌توانیم مشاهده کنیم و با توجه به اینکه شماری از این متون هنوز به‌طور دقیق از نظر محتوایی و زبان‌شناختی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند و یا کارهایی که صورت گرفته مربوط به تحقیقاتی است که در گذشته انجام شده و نیاز به بررسی‌های مجدد و دقیق‌تر از دیدگاه زبان‌شناسی و محتوایی وجود دارد در نتیجه بسیاری از مجهولات مربوط به دوران باستان با مطالعه و پژوهش بر روی متون پهلوی برای ما آشکار می‌شود.

یکی از متون کمتر کار شده پهلوی دینکرد است. دینکرد از جمله متون بسیار مهم و به نسبت مفصل پهلوی است. بررسی‌های انجام شده روی کتاب‌های دینکرد ناچیز و محدود به کارهای قدیمی است؛ به‌خصوص که بیشتر کارهای انجام شده روی این کتاب‌ها محدود به تحقیقات پژوهشگران خارجی می‌شود. کتاب سوم دینکرد یکی از این جمله کتاب‌های پهلوی است که مانند سایر آثار نامبرده نیاز به پژوهش دقیق از دیدگاه زبان‌شناسی و محتوایی و نیز استخراج واژگانش به صورت واژه‌نامه‌ای جداگانه دارد.

ضرورت انجام این تحقیق به دو دلیل عمده می‌باشد:

۱- نبود واژه‌نامه یا فرهنگ لغتی جامع برای پهلوی، امکان مطالعه و دسترسی به همه واژه‌های ایرانی میانه را محدود ساخته است. چه بسا واژه‌های خوانده نشده و یا کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌ای که در متن‌های نامبرده وجود دارند و از لحاظ ریشه‌شناسی و زبان‌شناسی فارسی دارای اهمیت زیادی هستند. شناخت این واژه‌ها تنها با خواندن و بررسی متن‌های خوانده نشده و یا کمتر کار شده میسر است.

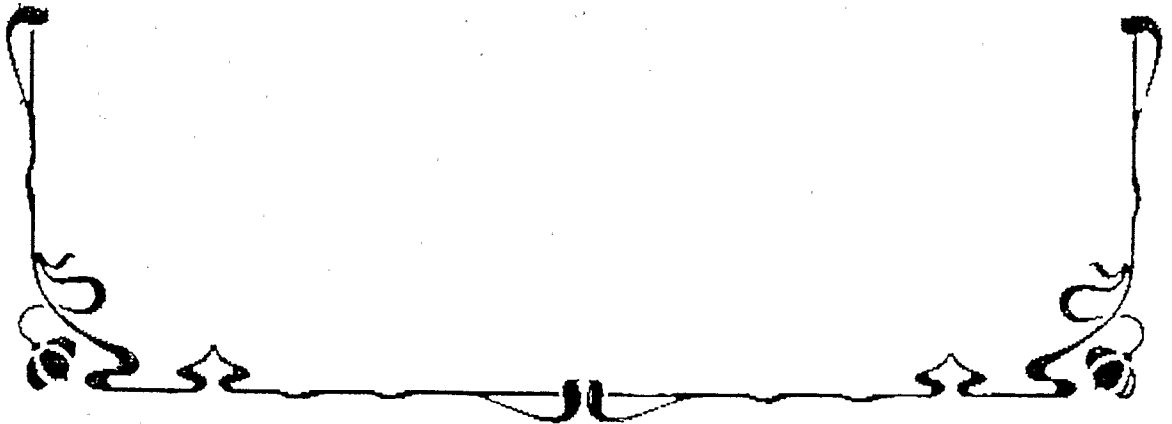
۲- از نظر محتوایی نیز شناخت تاریخ ادیان، سنن ایران باستان و مسایل علمی چون پزشکی

این متن را حایز اهمیت می‌سازد و مطالعه این متن می‌تواند گوشه‌های تاریکی از سیر علوم در ایران

باستان را برای ما روشن سازد.

فصل اول

کلیات



دینکرد بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین اثر مزدیسنی است، ولی از آنجا که در دوره اسلامی به رشته تحریر در آمده و نویسندگان آن بر خلاف مؤلفان بندهش، گزیده‌ها و روایت پهلوی مجبور بوده‌اند خود نثر کتاب خویش را بیافرینند، نثری خوش نیافریده‌اند، چون فارسی میانه برای ایشان زبانی مرده بوده است. هر چند بخش‌هایی از کتاب، اصلی پهلوی نیز داشته است، مانند زند سپندنسک، ولی به هر حال زبان همچنان مشکل و غیر قابل فهم است و ترجمه درستی نیز تاکنون از آن نشده است که بتوان بدان اعتمادی ورزید. (بهار، ۱۳۸۴: ۲۰).

دینکرد در لغت به معنی «تألیف دینی» است و «دین» در این کلمه و بسیاری موارد دیگر در مفهوم روایات و کتاب دینی (اوستا و زند) است. بنابراین نام کتاب گویای این است که کتاب مبتنی بر اوستا و ترجمه‌های آن است. این اثر بزرگ در اصل مشتمل بر نه کتاب بوده است. (تفضلی: ۱۲۸). آذرباد ایمیدان، آخرین مدون کتاب، آنرا تألیفی می‌داند که مبتنی بر الهام دین مزدیسنی است، دینی که مزین به همه دانش‌هاست. زردشت این دین را به پیروان نخستین خود پوریوت‌کیشان، آموخت. پس از آن خلاصه‌ای از سرگذشت اوستا تا دوران اردشیر ساسانی به طور خلاصه آمده است. (تفضلی: ۱۲۹).

بعد از فروپاشی سلسله ساسانی این کتاب دچار پراکندگی شد تا اینکه آذر فرنبغ فرخزادان که در قرن سوم هجری و در زمان مأمون، موبدان موبد فارس بوده توانست آنرا گردآورد و از پراکندگی رهایی بخشد. با اینکه این کتاب دوباره دچار پراکندگی و آشفته‌گی شد اما آذرباد ایمیدان توانست مطالب پراکنده را دوباره گردآوری کند. پس در حقیقت باید دینکرد را تألیف به معنی واقعی کلمه یعنی «گردآوری» و «تدوین» دانست. (وربلوسکی و بلیکر: ۱۱۸).

آذرباد ایمیدان در آخرین فصل کتاب سوم مطالبی درباره ماهیت کتاب دینکرد و چگونگی تدوین چهارگانه آن آورده است. (دومناس، ۱۹۵۸: ۶۹). دینکرد آغازین به دست کی‌ویشتاسپ شاه، تدوین و به دست اسکندر ملعون پراکنده می‌گردد؛ بازنویسی و تدوین دوم دینکرد به کوشش توسر

(= تنسر) در زمان اردشیر بابکان انجام می‌شود ولی باز پراکنده می‌شود و از بین می‌رود؛ آذرفرنبغ برای بار سوم آن را گردآوری، بازنویسی و تدوین می‌کند که این اثر نیز از دست می‌رود؛ برای چهارمین بار آذرباد پسر امید دست به کار گردآوری، بازنویسی و تدوین دینکرد می‌شود. (موله، ۱۳۷۷: ۴۳).

این کتاب اثر دانایان پیشین، یعنی نخستین شاگردان و پیروان زردشت است. مجموعه حجیمی از مباحث کتبی که در کتاب هشتم دینکرد ذکر شده‌اند در حقیقت خلاصه‌ای از اوستاست. پس می‌توان پذیرفت که: این اثر متون اصلی چون گاهان، تفاسیر مختلف متونی که به اوستا باقی مانده‌اند، هات‌های ۱۹-۲۱ یسنا، مباحثی در باب اخلاق و حقوق، زندگی زردشت، منظومه‌های اسطوره‌ای و روی هم رفته تمام موضوعات مقدسی را که پروراننده زندگی دینی دانایان و امت زردشتی است در بر می‌گیرد. (وست، ۱۸۹۷: ۳۶). به این مجموعه مباحث، طبق گفته‌های کتاب چهارم، در دوره ساسانی نیز مطالبی اضافه شده و به نظر می‌رسد که نظم و ترتیبی علمی یافته است. (زرنر، ۱۳۸۴: ۲۸-۲۳). آذرباد ایمیدان کتاب خود را «دینکرد هزار فصل» نامیده بود. با رجوع به منابعش به این نتیجه می‌رسیم که وی در حقیقت در کنار تألیفات خود از سخنان دانایان پیشین (سخنانی که خارج از متن چیزی جز روایات شفاهی و منقطع نیستند) و «شرح اوستا» نیز استفاده کرده است. پس از طریق این کتاب احتمالاً می‌توان در شرح و تفسیر متون اوستا نیز استفاده کرد. (دونو: ۳۴). پس از مقایسه متن این کتاب با زنده‌های موجود اوستا، اصل بسیاری از جمله‌ها را می‌توان بازسازی کرد. گردآورنده، سرگذشت تدوین مطالب دینکرد را درست همانند تدوین کتاب اوستا می‌داند و آنرا الهام خدا به زردشت می‌شمارد که نسل به نسل، با وجود مصائب گوناگون، بدو رسیده است. (تفضلی: ۱۲۹).

گردآورنده در این کتاب بین متون اصلی «اوستا» و شرح و تفسیر آنها «زند» و همچنین بین دیگر اضافات تمایز قایل شده است. آنچه که تنها با معیارهای زبان‌شناسی «اوستا» می‌خوانیمش، تنها یکی از بخش‌های اثری به نام «دین» یا «دینکرد» است که زردشتیان تنها یک بخش از آنرا «اوستا» می‌نامیدند. (دومنش، ۱۹۷۳: ۵). پس صحیح‌تر آن است که در این رساله پهلوی همان عنوانی که آذرباد برگزیده بود یعنی «دینکرد هزار فصل» را ما هم بپذیریم.

کتاب سوم دینکرد که در اینجا حرف‌نوشت، آوانوشت و ترجمه بخشی از آن ارائه شده است حدوداً نیمی از این اثر دایرة المعارفی را تشکیل می‌دهد که حجم آن بیشتر از حجم دیگر کتاب‌های ادبیات پهلوی است که به ما رسیده است؛ البته باید در نظر داشت که مؤلف یکی از این کتاب‌های پهلوی، شکند گمانیک وزار، آموزه‌های دینکرد را یکی از منابع خود دانسته و حتی متن کامل فصل ۲۳۹ کتاب سوم دینکرد که اصل آن در دست نیست عیناً فصل نهم شکند گمانیک وزار را تشکیل می‌دهد. (تفضلی: ۱۶۱). اما اهمیت دینکرد و به ویژه کتاب‌های سوم و چهارم آن تنها به خاطر مفصل بودنشان نیست، بلکه این کتاب در حقیقت «دانشنامه مزدیسنی» است که مجموعه‌ای از علوم و دانش دین زردشتی را برای استفاده موبدان و پیروان این دین تا قبل از کم شدن قدرتش در برابر اثرات اسلام حفظ کرده است. (فرای: ۴۷۶). دین زردشتی در برابر نفوذ اسلام در ایران ناگزیر شد مرکزیت خود را از ایران به هندوستان تغییر دهد؛ در واقع آنجاست که تنها نسخه خطی کامل دینکرد نگهداری می‌شود، البته صحیح‌تر آن است که بگوییم، کامل‌ترین نسخه خطی؛ در واقع کتاب‌های اول و دوم آن تماماً و بخشی از آغاز کتاب سوم از میان رفته است، و هیچ راهی برای تخمین حجم بخش‌های گم شده و محتوای آنها وجود ندارد. با این وجود با در نظر گرفتن ویژگی ظاهری کتاب‌های سوم تا نهم، می‌توان به فرضیاتی رسید. (وست، ۱۸۹۷: ۳۸).

این کتاب مستقیماً خطاب به زردشتیانی است که در حکومت مسلمانان می‌زیستند و تعدادشان کمتر از قبل شده بود. این اثر از آنها می‌خواهد که بیش از پیش دینشان را قدرت بخشیده و از آموزه‌های دینی و اعمال مذهبی خود در برابر فشار اسلام محافظت کنند. (وریلوسکی و بلیکر: ۱۲۲).

با وجود اینکه مطالب دینکرد در بدو امر مجموعه خشک و عالمانه‌ای از اسطوره‌های باستانی به نظر می‌آید اما در حقیقت استغاثه‌ها و پیام‌های مؤثری هستند دال بر اینکه دینداران به آسایش خواهند رسید. گرچه این متن‌ها گردآوری‌هایی از مطالب قدیمی هستند، اما مطالب آنها چنان جرح و تعدیل شده که نیازهای روحی زردشتیان را در موقعیت خاصی برآورده سازد. (هینلز: ۲۲، ۱۶۵).

این اولین بار نبود که آنها به مقابله با دینی «بیگانه» می‌داختند: در زمان حکومت ساسانیان،

مسیحیت در دربار بسیار نفوذ کرده بود، و در بین ایرانیان و حتی موبدان و خاندان شاهی نیز طرفدارانی پیدا کرده بود؛ اما قدرت در دست زردشتیانی بود که اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دادند. آنها در شیوه دفاعیشان آشکارا از قدرت حکومت استفاده می‌کردند، یعنی شیوه آنها بیشتر مبنی بر شکنجه مسیحیان بود تا بحث و مجادله با آنها. (کریستین سن، ۱۹۴۴: ۲۱۰، ۲۱۳). زردشتیان در برابر اسلام شیوه دیگری را در پیش گرفتند و از راه مباحثه و مناظره به مقابله با آن پرداختند. مسئله زردشتیان دیگر پرداختن آزادانه به امور دینیشان نبود بلکه قصدشان رد و تکذیب دین اسلام بود. البته در دوره مأمون، مجبور به رد اکاذیبشان شدند. (کریستین سن، ۱۹۳۶: ۳۱۷).

پس از فروریختن شاهنشاهی ساسانیان، از آنجا که زردشتیان در معرض خطر جدی اسلام قرار گرفته بودند، در قرون دوم و سوم هجری کوشیدند تا دین زردشت را بر اساس مسایل علمی زمان خود، تجزیه و تحلیل کنند و حقانیت آنرا به اثبات رسانند و به آن قدرت رقابت با دین اسلام را ببخشند. نمونه برجسته این کار کتاب دینکرد است و یا تحلیل و بررسی‌های انتقادی که در کتاب شکندگمانیک وزار (= گزارش گمان‌شکن) مطرح می‌شود. (بهار، ۱۳۸۴: ۵۱۲). این کتاب که مضمونی استدلالی و منطقی دارد احتمالاً نزد دبیران و دور از چشم بدخواهان حفظ شده است. به علت کم بودن آثار مکتوب در آن زمان و فراموش شدن نظام نوشتاری قدیم پس از گذشت نسل‌ها در میان ایرانیان مسلمان دیگر کسی قادر به خواندن این کتاب نبود. (وربلوسکی و بلیکر: ۱۲۳). با وجود این، باز هم احتیاط‌های لازم را به عمل آورده بودند: یعنی هیچ‌گاه از کلمه مسلمانان به صراحت یاد نشده است: در دینکرد به طور عام از «کیشداران» و «دین بد» سخن به میان آمده است که منظور اصلی، مسیحیان و دین مسیحیت است. در موارد کمی نیز مانویان و یهودیان مدنظر بوده‌اند؛ (دومناش، ۱۹۵۸: ۹۳)؛ در برابر مانویت که آنها را زندیق مینامیدند و سرسخت‌ترین دشمن عالمان مسلمان هم به شمار می‌آمدند، زردشتیان با خوشحالی توانستند به اثبات برسانند که از ثنویت مانوی، فلسفه دخالت اهریمن در تکوین آفرینش، انکار قدرت کامل و خرد خدا در پیدایش جهان که از اصول مانویت است، در دین زردشتی اثری نیست. (جکسون: ۱۵۹).

با تمام این احوال، تفسیر و پشتیبانی از دینشان نتوانست جلوی پیشرفت عقاید و حملات دین حاکم و غالب را بگیرد. در چنین وضعیتی است که کتاب سوم دینکرد شکل می‌گیرد. کتابی که برای پوشاندن و مخفی نگهداشتن منظور اصلی، مملو از کنایات و اشارات شده است. (دومناس، ۱۹۷۳: ۹). به نظر نمی‌آید که مکتوب نمودن پیام الهی در کتاب‌های مقدس برای زردشتیان در آن دوران مورد توجه بوده باشد. باید متذکر شد که تمام مجموعه اوستا ارزش و اهمیت متن گاهان را ندارد. دینکرد هشتم خلاصه اوستاست و مطالب اوستا را از روی زند پهلوی و یا از روی خود اوستا آورده است. گردآورنده آن بدون هیچ ترسی ابراز داشته که بعضی از بخش‌های اوستا از میان رفته است و در کتاب سوم بین متن اوستایی یا ترجمه‌اش نمی‌توان تفاوت گذاشت چرا که هر دو در کنار هم آمده‌اند و نقل شده‌اند. (شکد: ۷۱). دینکرد نهم در سطوحی عمیق‌تر به تفسیر مطالب دینی و آنچه که در کلام مقدس نهفته، پرداخته است. به نظر نمی‌رسد که هدف زردشتیان از نوشتن مطالب دینی خود نشان دادن و اظهار آن در برابر مسلمانان باشد که تا شاید آنها را هم به‌مانند یهودیان و مسیحیان از اهل کتاب به حساب بیاورند. (فرای: ۴۷۸).

در کتابی چون دینکرد که بخش حجیمی از آن به استدلالات «منطقی» پرداخته، اسطوره زردشت که در مرکز الهامات دینی قرار دارد هم آمده است، البته این داستان قبلاً در کتاب زادسپرم و در میان فصل‌هایی که به تکوین عالم و فلسفه آن پرداخته‌اند گنجانده شده بود. (تفضلی: ۱۴۷). حجم و اندازه کتاب سوم نباید باعث نادیده انگاشتن وجود و اهمیت کتاب‌های پنجم و هفتم شود که این دو کتاب گرچه شیوه استدلال منطقی ضعیفی دارند اما منکر الهام دینی به عنوان قدرت دین هم نشده‌اند. (وست، ۱۸۹۷: ۱۸).

حالت و خط‌مشی عقلانی کتاب در حقیقت تأکیدی است بر اعتقادی خاص: در این نظریه دین زردشتی با خرد غریزی، آسن خرد (āsn xrad)، یکی به شمار آمده است. (تفضلی: ۱۳۲).

بین عقاید زردشتی ذکر شده در دینکرد با افکار معتزله نیز برخوردهایی وجود دارد. برخی از معتزلیان طرفدار نظریه‌ای هستند که منطقاً خواست خدا را پشت هر کاری می‌پذیرد و این همان

جهت گیری دینکرد است درحالیکه بقیه معتقدند که وقتی خدا به چیزی می گوید موجود شو به راحتی موجود می شود. (نادر: ۱۹).

همگی آنها تأیید می کنند که به روش عقلانی و به امر خدا می توان وجود خدا را به اثبات رسانید؛ (نادر: ۱۷)؛ یا طبق گفته دینکرد، خدا خواهان شناخته شدن توسط بشر است، (کتاب سوم: فصل ۱۰۹)، پس برای این کار او را مجهز به هوش ذاتی کرده است و تنها مانع آن بدنهادی عقل است که این امر نیز نمی تواند از جانب خدا باشد (معتزلیان موافق این نظریه نیستند). معتزلیان معتقدند که رنج و عذاب خدا در دوزخ ناشی از بدی خدا نیست و نزدیک ترین نظریه به آن اعتقاد زردشتیان است مبنی بر اینکه عذاب گناهکاران چیزی نیست جز انعکاس اعمال خودشان و ربطی به «خشم خدا» ندارد. (دومناش، ۱۹۷۳: ۱۵).

در این قضیه اعتقادی- شناختی پذیرش هم زمان وجود نیکی و بدی بیشتر به شکلی جسمانی تا روحانی زمینه ساز پیدایش ثنویت می گردد. (دومناش، ۱۹۴۵: ۳۳). بدی نمی تواند منشأیی جدا از محدوده خالق داشته باشد. نمی توان خلقت را آنگونه که واقعاً بوده شرح داد چرا که از ابتدا مورد تحریف قرار گرفته است. بدی هم همانند نیکی دارای منشأیی خاص است که می تواند همان منشأ یا خالق نیکی باشد یا نباشد اما ما همیشه علاقه مندیم که بدی را نیز به همان منشأ اولیه برگردانیم و تمام مسئولیت بدی و دودمانش را به گردن او بیندازیم. (موله، ۱۹۶۳: ۶۹). در دوران آمیختگی، یعنی دوران ما، آفریدگان تباهی و بدی در مقابل آفریدگان نیکی قرار می گیرند؛ وضعیت سیارات نسبت به ثوابت، یعنی ستارگان، (نظامی که در دینکرد به طور خلاصه و در شکند گمانیک وزار و بندهش به طور کامل بیان شده است)؛ وضعیت سرما و خشکی نسبت به گرما و رطوبت؛ و در زمینه معنویات، حالت بدخواهی نسبت به پرهیزگاری. این خصومت و فساد به گسترش درگیری کیهانی انجامیده و باعث به وجود آمدن جهان مادی می شود. (دونو: ۶۶).

دینکرد سوم شرح «تاریخی» دوران آمیختگی را می پذیرد؛ لغتی که پیوسته در این کتاب

به کار برده شده، تازش است که نشانه دخالت اندیشه بد در جهان اهرمزد و آغاز دوره زمان کرانه مند

به منظور آمادگی اهرمزد برای باز پس‌گیری و پالایش واپسین است. پس از آن فرشگرد است که تغییر شکل و پایان تمام ضدیت‌های موجود بوده و در این زمان تمامی موجوداتی که برای مردن خلق نشده بودند، نامیرا می‌شوند. (کتاب سوم: فصل ۱۵۷).

در بندهش و گزیده‌های زادسپرم، جدال آغازین مفصلاً شرح داده شده است. قبول نکردن گناگ‌مینو بلافاصله به شکست نهاییش نمی‌انجامد؛ به او این اجازه داده شده تا در جهان مخلوقات زندگی کند و درحالی‌که اهرمزد خواهان شرکت دادن مخلوقات خودش در پیروزی نهاییش است، به «تحلیل قوای» دروچ می‌پردازد. (موله، ۱۹۶۳: ۱۱۱). جدال آفرینش با الهام به کیومرث، نخستین انسان، آغاز می‌شود و سپس زردشت و منجیان پس از او به طور کامل وحی و الهامات دینی را دریافت می‌کنند. هر یک از این منجیان نشانگر مرحله‌ای هستند و آخرین نفرشان، سوشیانس، جدال آفرینش را با پیروزی کامل به پایان می‌رساند. تمامی این حوادث به صورت مفصل در کتاب سوم دینکرد آورده شده است؛ اما نویسنده زیاد به نشان دادن اسطوره آغاز آفرینش نپرداخته و بیشتر به شرح آینده‌ای پرداخته که خالق دانا و توانا آنرا از پیش طرح‌ریزی کرده است. (شکد: ۱۱).

می‌دانیم که در طی حکومت ساسانیان، ایران پذیرای دانشمندان و فلاسفه یونانی بوده است و احتمالاً پس از فتح مسلمانان بود که مشارکت زردشتیان در این حرکت علمی به پایان رسید و آنها دوباره به تفکرات خود بازگشتند درحالی‌که سخت به حفظ و نگهداری علوم اساطیری خود به عنوان بخش تکمیلی باقی‌مانده دینی که مورد تهدید قرار گرفته بود می‌پرداختند. (کریستین‌سن، ۱۹۴۴: ۲۱۸). در واقع تنها بخشی از علوم زردشتیان که مورد توجه مسلمانان قرار گرفت همان بخش ستاره‌شناسی و طالع بینی از علم نجوم است که آن‌هم اشباع از علوم یونانی و هندی بود. البته تمام آنچه که گفتیم در حد فرضیه باقی می‌ماند چرا که هرگز نباید فراموش کرد که بازسازی گذشته فرهنگی زردشتیان با ته‌مانده‌های اسناد و مدارک مکتوبی که امروزه در دست داریم، امری نامعقول است. (وربلوسکی و بلیکر: ۹۹).

نکته قابل توجه این اثر آن است که ویژگی روایی و عقلانی را با هم داراست و با این خصوصیت همان طور که دیدیم اخلاق نیکوکاران و بدکاران را در طرح ثنویت گنجانده است. با خلاصه‌ای که دینکرد هشتم از برش‌نسک (Bariš Nask) اوستا که بخشی از هادگ‌مانسریگ (Hādag Mānsarīg) است ارائه داده از قدمت این طرز تفکر آگاه و مطمئن می‌شویم. (دومناس، ۱۹۵۸: ۳۸-۳۹).

۱-۲- کتاب سوم

کتاب سوم بزرگ‌ترین کتاب از کتاب‌های موجود دینکرد است که ۴۲۰ فصل را دربرمی‌گیرد. این کتاب شامل تعلیماتی است که «منتخب» دین به و «مطابق» آن هستند. یعنی این مطالب کاملاً مطابق کتاب مقدس و عقاید دانایان دینی عهد باستان (پوریوت‌کیشان) است. (دومناس، ۱۹۴۵: ۱۹). بیشتر فصول کتاب سوم کوتاه بوده و از چند خط تا چند صفحه تجاوز نمی‌کنند. سه فصل نسبتاً طولانی نیز وجود دارد: درباره پزشکی (فصل ۱۵۷)، درباره ازدواج با نزدیکان (فصل ۸۰)، و درباره تکوین جهان (فصل ۱۲۳). برخی فصول تکرار فصل‌های قبلی هستند که نشانه «پشیمانی» کاتب است که پس از تمام کردن دستنویس متوجه خطاهای بیشمار نسخه اول شده است (یا نشانه حضور یک همکار است، چرا که یک نسخه خطی اثر دست چندین نفر است) و دوباره شروع به رونویسی کرده، البته بدون مشخص کردن اینکه کدام فصل اصلی بوده و کدام فصل بازنویسی مجدد فصل اصلی بوده است. (یارشاطر: ۷۶۷).

توالی فصول کتاب از نظم خاصی پیروی نمی‌کند؛ گرچه برخی فصول با موضوعات مشابه و نزدیک، پشت سرهم آمده‌اند ولی بین مطالب بقیه فصول اختلافات فاحشی وجود دارد. برای استفاده از این کتاب باید فهرستی تحلیلی تهیه کرد. علی‌رغم این بی‌نظمی، بررسی و تحلیل کتاب به راحتی